

مجلس پنجم: آثار و پیامدهای اخروی گناه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

در جلسه گذشته، بعضی آثار دنیوی گناه بررسی شد. در این جلسه، برخی از آثار اخروی گناه را بررسی می‌کنیم. این بحث در محورهای زیر سامان یافته است.

بایستگی معادباوری

امروزه، برای تربیت انسان بیش از هر زمانی، نیاز به تعمیق «معادباوری» است؛ زیرا از مهم‌ترین عوامل تربیت انسان، تقویت اعتقاد به حسابرسی در جهان آخرت می‌باشد. اگر عموم مردم، به‌ویژه مدیران جامعه، به روز قیامت یقین داشته باشند، بی‌تردید، از صراط مستقیم هدایت خارج نخواهند شد؛ چراکه یکی از عوامل مهم گناهان در جامعه ما و ریشه نابسامانی‌ها، ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها، غفلت و فراموشی روز قیامت است؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^۱ کسانی که [به جهت فراموشی روز قیامت و پیروی از هوای نفس] از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به سبب فراموشی روز حساب دارند.

همچنین، از منظر کلام وحی، انسان در جهان پس از مرگ، در گرو عمل خویش است؛ «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمَانُهُ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا * اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»^۲ نامه عمل هر انسان را در گردنش ملازم کردیم و در روز قیامت برایش بیرون می‌آوریم؛ درحالی‌که نامه‌ای است گشوده و خوانا و [می‌گوییم اکنون] نامه‌ات را

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. سوره ص، آیه ۲۶.

۲. سوره اسراء، آیه ۱۳ و ۱۴.

بخوان که خودت برای اینکه امروز حسابگر خویشتن باشی، کافی است.»
و یا در آیه‌ای دیگر در مورد مکافات اخروی گناه می‌فرماید: «امروز (قیامت) مردم پراکنده باز می‌گردند تا اعمال خویش را ببینند. پس، هرکس به اندازه ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند و هر آن‌که به مقدار ذره‌ای بدی نماید، آن را خواهد دید.»^۱

پیامدهای اخروی گناه

مهم‌ترین آثار اخروی گناه، عبارت است از:

۱. عذاب قبر

هنگام مرگ، روح انسان از بدن به طور کامل جدا می‌شود و به هنگام رستاخیز، خداوند متعال بار دیگر بدن و استخوان‌های پوسیده و خاک‌شده آدمی را حیات مجدد می‌دهد و روح، دوباره به آن برمی‌گردد.^۲ پاداش‌ها و عذاب‌های اخروی، از لحظه مرگ انسان و ورود به عالم برزخ آغاز می‌شود و تا روز قیامت ادامه می‌یابد. مراد از برزخ، عالم قبر است؛ جهانی که انسان تا روز قیامت در آن زندگی می‌کند. امام صادق علیه السلام در مورد گرفتاری عالم برزخ فرمود: «وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبُرْزُخَ؛^۳ به خدا قسم! تنها چیزی که من برای شما می‌ترسم [که گرفتارش شوید]، برزخ است.»

چگونگی عذاب قبر

روح انسان بعد از پایان زندگی این جهان، در بدن لطیفی قرار می‌گیرد که از بسیاری از عوارض ماده برکنار است و چون از هر نظر شبیه این جسم است، به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی» می‌گویند که نه به کلی مجرد است و نه مادی محض؛ بلکه دارای نوعی «تجرد برزخی» است. بعضی از محققان، این پدیده را به وضع روح در حالت خواب تشبیه کرده‌اند که در آن حال، ممکن است با مشاهده نعمت‌هایی به‌راستی لذت ببرد و یا بر اثر دیدن مناظر هولناک، معذب و متألم شود؛ آن‌چنان‌که گاه واکنش آن در همین بدن نیز ظاهر می‌شود و به هنگام دیدن خواب‌های هولناک، فریاد می‌کشد؛ حتی بعضی معتقدند که در حال خواب، به‌راستی روح با

۱. سوره زلزال، آیه ۶-۸.

۲. سوره یس، آیه ۷۹.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۴.

قالب مثالی فعالیت می‌کند و حتی بالاتر از آن، معتقدند ارواح قویه^۱ اولیای الهی در حال بیداری نیز می‌تواند همان تجرد برزخی را نیز پیدا کند؛ یعنی از جسم جدا شده، با همین قالب مثالی به میل خود و یا از طریق خواب‌های مغناطیسی، در جهان سیر کند و از بعضی مسائل باخبر گردد.^۲

این موضوع، در روایات متعددی آمده است که انسان در بدنی همانند بدن دنیایی خود زندگی می‌کند.^۳ اگر اهل طاعت بوده، از لذت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌گردد و اگر اهل گناه و کفر بوده، از انواع عذاب‌ها می‌چشد.^۴

نمونه‌ای از عذاب قبر

محدث قمی می‌گوید: روزی برای زیارت اهل قبور به وادی السلام در نجف اشرف رفتم. ناگهان از دور صدای نعره شتری که می‌خواهند او را داغ کنند، بلند شد. آن شتر، صیحه‌ای می‌کشید و ناله‌ای می‌کرد که گویی زمین وادی السلام می‌لرزید. به سرعت به طرف صدا رفتم؛ دیدم شتری در کار نیست؛ بلکه جنازه‌ای است که برای دفن آورده‌اند و این نعره‌ها، از اوست؛ ولی اطرافیان اصلاً متوجه نیستند.

این، جنازه شخص گنهکاری بود که بعد از مرگ و آغاز زندگی اخروی خود و مشاهده صورت‌های برزخی اعمالش، چنین وحشت کرده بود.^۵

۲. فشار قبر

از پیامدهای اخروی گناه، فشار قبر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ وَمِنْ صَغْفَةِ الْقَبْرِ»^۶ خداوند! از عذاب و تنگی و فشار قبر به تو پناه می‌برم.»

۱. ارواح قویه، به ارواح اولیای الهی اطلاق می‌شود که در اثر تلاش‌های معنوی، روحشان چنان تقویت می‌گردد که می‌توانند در حالت بیداری هم به تجرد برزخی برسند؛ یعنی از جسم جدا شده و با قالب مثالی به میل خود، در جهان سیر کنند و از اسرار هستی و مسائل نهانی مثل باطن انسان‌ها باخبر شوند.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۲۲.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۵.

۵. سید محمدحسین حسینی تهرانی، معادشناسی، ج ۱، ص ۱۴۰.

۶. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۷۹.

قبر، سرآغاز حیات برزخی انسان است و شخص خطاکار، در شب اول دچار فشار قبر است؛ البته باید توجه داشت که آدمی در بدن برزخی دچار عذاب و فشار می‌شود و نه در بدن مادی؛ زیرا روح انسان در عالم برزخ، با بدن برزخی که متناسب با آن عالم است، همراه می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که مقصود از فشار قبر، این نیست که دیوارهای قبری که در گورستان حفر شده، به هم نزدیک می‌شوند و بدن میت را در تنگنا قرار می‌دهند؛ بلکه مقصود، فشار نامرئی و نامحسوسی است که بر روح و جسد برزخی متوفا، وارد می‌آید و او را به شدت ناراحت می‌کند.^۱ از این رو، تفاوتی نمی‌کند که شخص به خاک سپرده شود، به دار آویخته گردد، در دریا غرق شود و یا در آتش سوزانده گردد؛ به هر حال، در صورتی که شخصی به گناه آلوده باشد، از فشار قبر برخوردار خواهد بود. امام سجاده علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»^۲ قبر، یا به منزله باغی از باغ‌های بهشت، یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم خواهد بود.»

البته قبر برزخی و قبر خاکی، ارتباط خاصی با هم دارند؛ ولی عمده مسائل شب اول قبر و پس از آن، مرتبط با عالم برزخ است و نه قبر خاکی.^۳ بنابراین، هم عذاب قبر و فشار آن، و هم شادی‌ها و فراخی‌های آن، مرتبط با عالم برزخ است و با قالب بدن برزخی صورت می‌گیرد و قبر خاکی در این موارد، خصوصیتی ندارد.

۱. محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۴.

۳. بدون تردید، میان قبر برزخی و قبر خاکی، یعنی بین روح انسان در برزخ و بدن مادی او در قبر خاکی، ارتباط خاصی وجود دارد؛ چون روح با بدن مادی در دنیا با هم و متحد بودند، با قطع تعلق روح از بدن پس از مرگ، و حضور روح در عالمی فوق ماده، این ارتباط در حد پایین‌تری میان روح برزخی و بدن مادی و خاکی ادامه می‌یابد و روح توجه خاصی به بدن مادی و قبر خاکی خود دارد. احکام اسلامی درباره قبر، تشییع جنازه، حرمت قبر و استحباب زیارت قبور، بر اساس همین ارتباط است. این ارتباط موجب می‌شود که در کنار قبر خاکی، ارتباط بهتری با روح مربوطه برقرار شود. این آداب در هر جایی برای مردگان خوب است؛ ولی به دلیل ارتباط قبر برزخی با قبر خاکی، بر انجام این آداب استحبابی بر سر قبرها، تأکید بیشتری شده است. همچنین، ارواح نیز به جهت ارتباط با بدن مادی و قبر خود، از حضور مؤمنان خوشحال می‌شوند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَقْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ؛ به زیارت مردگانتان بروید؛ آنان از زیارت شما خوشحال می‌شوند.» (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۲۳)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم فرموده: «مقصود از قبر، برزخ انسان است که از لحظه مرگ تا روز رستاخیز است.»^۱

داستان سعدبن معاذ

سعدبن معاذ، از اصحاب بزرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه و دارای سابقه درخشان در جنگ‌های اسلامی، مانند جنگ: بدر، احد و خندق بود. این مجاهد متعهد، در جنگ خندق، به شدت مجروح شد و بعد از مدتی، به شهادت رسید. در تشییع پیکر سعد، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شخصاً جلوی تابوت را گرفته بود. سپس، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جنازه سعد را حنوط کرد و آن را تا قبرستان بقیع با سروپای برهنه و بدون عبا حمل نمود و جنازه سعد معاذ را دفن نمود. وقتی کار دفن به پایان رسید، مادر سعد کنار قبر آمد و گفت: «يَا سَعْدُ هِنِيئاً لَكَ الْجَنَّةُ؛ ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد!» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مادر سعد فرمود: «يَا أُمَّ سَعْدٍ مَهْ! لَا تَجْزِمِي عَلَى رَبِّكَ فَإِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ؛ ای مادر سعد! آرام باش! چیزی را به طور جزم بر خدا حکم نکن. همانا اکنون فشار قبر، سعد را گرفت.»

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توضیح این سخن فرمود: «إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءًا؛^۲ همانا [فشار قبر او، به دلیل این است که] با خانواده‌اش بداخلاق بود.»

۳. محو شدن اعمال نیک

یکی از پیامدهای اخروی گناه، حبط، یعنی محو شدن اعمال نیک است. آدم گنهکار نمی‌تواند به کارهای نیکش دل ببندد؛ زیرا چه بسا گناهان او، ثواب کارهای نیکش را از بین می‌برند. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «روز قیامت، شخصی در مقابل پروردگار خود می‌ایستد و نامه عملش به او داده می‌شود. پس، اعمال نیک خویش را در نامه عملش مشاهده نمی‌کند و می‌گوید: «پروردگار! این پرونده عمل من نیست؛ زیرا اعمال نیکی را که انجام داده‌ام، در آن نمی‌بینم.» به او گفته می‌شود: پروردگار تو چیزی را گم و فراموش نمی‌کند؛ بلکه عمل خوب تو به جهت غیبت از فلانی، از بین رفت.

سپس، شخص دیگری به پیشگاه الهی آورده می‌شود و نامه عملش به او داده می‌شود. پس، در پرونده خویش طاعات فراوانی مشاهده می‌کند و می‌گوید: «خدایا! این پرونده عمل من نیست؛

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۳۸۵.

زیرا من این اعمال نیک را انجام نداده‌ام.» به او گفته می‌شود: فلانی از تو غیبت کرد. پس، خوبی‌های او از نامه عملش به نامه عمل تو منتقل شده است.^۱ ناگفته نماند که عکس این قضیه هم صادق است؛ یعنی اعمال نیک انسان می‌تواند آثار مخرب گناهان را از بین ببرد؛ چنان‌که خداوند فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ؛^۲ همانا نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند.» کارهای خوبی همچون: توبه، صدقه، صله رحم و بسیاری از رفتارهای خوب، آلودگی‌ها و پیامدهای گناهان را پاک می‌کنند.

۴. تجسم گناهان

از دیگر آثار گناهان، تجسم اعمال انسان در قیامت است. این امر، انسان را به شدت می‌آزارد و شرمنده می‌کند؛ «وَّوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا؛^۳ و آنچه را انجام دادند، حاضر یابند.» در حقیقت، آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود، تجسم عمل خود آنهاست. گفتنی است که عمل انسان دو چهره دارد: یکی چهره ظاهری و ملکی، و دیگری چهره باطنی و ملکوتی. ملک، به دنیای محسوسات می‌گویند که آدم با چشمش می‌بیند، با گوشش می‌شنود و با قوه و نیروی لامسه، آن را لمس می‌کند. اینها، چهره ملکی و دنیایی عمل است. علاوه بر این، عمل انسان، یک چهره غیبی و ملکوتی نیز دارد که در قیامت، مشاهده خواهد شد؛ مثلاً خوردن مال یتیم، چهره‌ای ملکی دارد و آن این است که آدم مال یتیم را می‌خورد و در ظاهر لذت هم می‌برد؛ ولی همین عمل، یک چهره ملکوتی دارد که به صورت آتش جلوه می‌نماید؛ قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا؛^۴ کسانی که اموال یتیمان را ستمکارانه می‌خورند، [در حقیقت،] آتش می‌خورند.»

۵. رسوایی در محشر

در روز قیامت، عوامل مختلفی رازهای پنهان خلاف‌کاران را فاش می‌کند که از جمله آنها، زمین است؛ «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا؛^۵ در آن روز، زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند.» پیامبر گرامی

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۱.

۲. سوره هود، آیه ۱۱۴.

۳. سوره کهف، آیه ۴۹.

۴. سوره نساء، آیه ۱۰.

۵. سوره زلزله، آیه ۴.

اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر این آیه فرمود: «منظور از خبر دادن زمین، این است که اعمال هر مرد و زنی را که بر روی زمین انجام داده‌اند، خبر می‌دهد و می‌گوید: فلان شخص در فلان روز، فلان کار را انجام داد. این است خبر دادن زمین.»^۱

۶. حسابرسی دقیق و سخت

از دیگر آثار گناه، حسابرسی از گنهکاران در روز قیامت است. آنان باید حساب خطاهای خود را پس دهند. از آیات و روایات استفاده می‌شود که انسان‌ها در قیامت از جهت حسابرسی به اعمالشان، به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند؛ ۲. آنان که محاسبه آسان دارند؛ ۳. کسانی که حسابرسی سختی در پیش خواهند داشت؛ ۴. آنها که بدون حساب به جهنم داخل می‌شوند.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد گروه اول، دوم و سوم فرمود: «آنانی که در ایمان و عبادات و طاعات و کارهای نیک بر دیگران پیشی گرفته‌اند، بدون محاسبه وارد بهشت می‌شوند و افراد میانه که محرمات را ترک کرده و واجبات را انجام داده‌اند و احیاناً به گناهان صغیره (لَمَم) مبتلا شده‌اند، حساب آسانی خواهند داشت؛ اما آنان که اهل گناه بوده و با بی‌تفاوتی به دستورات پروردگار به خویشتن ستم روا داشته‌اند، محاسبه آنان سخت و در طول مدت محشر به درازا می‌کشد.»^۳

نمونه‌ای از کيفر حقّ الناس

در روز قیامت برای جبران حقّ الناس، از کارهای خوب و شایسته بدهکار برمی‌دارند و به حساب طلبکار می‌گذارند، تا حسابش صاف شود و اگر کارهای نیک بدهکار کفایت نکند یا نداشته باشد، از گناهان طلبکار برمی‌دارند و به حساب بدهکار می‌گذارند، تا به این صورت، شاکی راضی شود. اینجاست که بدهکار با دست خالی به دوزخ می‌رود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «در قیامت، بنده‌ای که کار خوب بسیار دارد، در حالی که خوشحال است، وارد محشر می‌شود. ناگهان شخصی از راه می‌رسد و می‌گوید: خداوندا! این شخص [در دنیا] به من ظلم کرده است. پس، از کارهای نیک او گرفته و به آن مظلوم داده می‌شود؛ تا جایی که کار

۱. ملا محسن فیض، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۵۸.

۲. سوره نجم، آیه ۳۲. «لَمَم»، یعنی بنده یک بار مرتکب گناه شده است. در روایات، به گناهان صغیره مثل یک بار نظر به نامحرم، تفسیر شده است. (کتاب العین، ج ۸، ص ۳۲۲)

۳. محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۵۶۳.

خوب و حسنه‌ای برای بدهکار باقی نمی‌ماند؛ ولی هنوز طلبکار راضی نشده و حَقِّش را طلب می‌کند. آنگاه از گناهان طلبکار برداشته، به بدهکار می‌دهند؛ تا آنجا که شخص بدهکار که به کارهای خوب خود دلخوش کرده و بهشتی بود، جهنمی می‌شود.^۱

۷. حبس طولانی مدت

یکی از مهم‌ترین عواقب گناه، حبس‌های طولانی مدت در قیامت است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى أَرْوَاحِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُ؛^۲ شخصی در جهان آخرت، گاهی برای یکی از گناهانش صد سال حبس شود و در همان حال، خانواده خود را که در نعمت بهشت می‌خرامند، مشاهده می‌کند.»
ملا صالح مازندرانی در شرح این حدیث می‌گوید: «این روایت، دلالت می‌کند که فرد گناهکار از ورود به بهشت منع و در جایی حبس و نگهداری می‌شود و دلالت ندارد که او در این مدت، به جهنم می‌رود.»^۳

۸. آتش جهنم

از آثار دیگر گناهان، گرفتاری در آتش جهنم است؛ «مَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ؛^۴ کسی که از اطاعت خدا و رسولش سرپیچی کند، آتش دوزخ از آن اوست.» قطعاً آتش دنیا قابل مقایسه با آتش جهنم نیست؛ زیرا ما نمونه‌ای از آتش دوزخ در اختیار نداریم و فهم دقیق آن، برایمان ممکن نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «النَّارُ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛^۵ آتشی که هیزم آن، مردمان و سنگ‌ها هستند.»

سخن پایانی: بشارت‌های امیدبخش

در اینجا مناسب است از بشارت‌های اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به شیعیان هم سخنی بگویم. در مورد کیفی‌های اخروی گناه، مواردی بیان شد؛ اما اگر گناهکاران توبه کرده و لغزش خود را جبران نمایند، قطعاً از الطاف الهی و امدادهای معنوی و الطاف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام برخوردار خواهند شد.

۱. محمد محمدی ری‌شهری، حکم النبی الأعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ج ۵، ص ۳۰؛ به نقل از: نهاية البداية والنهاية، ج ۲، ص ۵۵.
۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۲.
۳. ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۲۳۶.
۴. سوره جن، آیه ۲۳.
۵. سوره بقره، آیه ۲۴.

ابومحمد دیلمی، از محدثان قرن هشتم، روایت می‌کند: روزی حارث همدانی - که از شیفتگان امیر مؤمنان علیه السلام بود - به حضور حضرت آمد. امام علیه السلام از علت آمدن او جويا شد. او گفت: عشق و علاقه به شما مرا به اینجا کشانده است. حضرت در تأیید سخن او فرمود: «به خدا همین طور است. هیچ انگیزه‌ای جز محبت ما تو را به اینجا نیاورده است.» آنگاه علی علیه السلام به عنوان تشکر به او فرمود: «هیچ بنده‌ای از دوستان ما نمی‌میرد، مگر اینکه در هنگام مردن، مرا آن طوری که دوست دارد، می‌بیند و همچنین، از دشمنان و مخالفان ما هم کسی نمی‌میرد، تا اینکه در هنگام مرگ، در حالی که دلش نمی‌خواهد، مرا می‌بیند و شرمنده می‌شود.»^۱

همچنین، امام علی علیه السلام به حارث فرمود: «[ای حارث!] دوستی و محبت ما اهل بیت در سه جای مهم و سرنوشت‌ساز برای تو سود خواهد داد: هنگام نزول فرشته مرگ، موقعی که در قبر مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیری و زمانی که در روز قیامت در مقابل پروردگار ایستاده باشی.»^۲

۱. دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۶۱.